



دانشگاه علام طباطبائی

دانشکده اقتصاد

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد

رشته: علوم اقتصادی

موضوع:

عوامل مؤثر بر بروز بحران بانکی

استاد راهنما: دکتر سعید مشیری

استاد مشاور: دکتر محمود ختایی

نگارش: عطیه عمرانی

دی ۱۳۸۹

تقدیم به پدر و مادر عزیزم

که با صبر و پشتیبانی خود در تمامی دوران های زندگی ام امید موفقیت را در من

زنده نگاه داشتند

و تقدیم به همسر مهربانم

که بدون یاری او اتمام این پایان نامه امکان پذیر نبود.

از استاد گرامیم جناب آقای دکتر مشیری بسیار سپاسگزارم چرا که بدون راهنمایی

های ایشان تأمین این پایان نامه بسیار مشکل می نمود و از اساتید گرامی جناب

آقای دکتر محمود ختایی و جناب آقای دکتر بهمن پور به دلیل یاری ها و راهنمایی

های بی چشمداشت شان که بسیاری از سختی ها را برایم آسان تر نمودند نیز کمال

تشکر را دارم

چکیده

تا این اواخر بیشتر مطالعات در زمینه بحران های بانکی متکی بر تجربه کشور ها در قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ می بود. به طور خاص حوزه های مطالعات تحت سلطه رکود بزرگ (۱۹۲۹) بود، هنگامیکه ورشکستگی های متعدد بانکی در سرتاسر جهان رخ داد.^۱ در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ مشکلات بخش بانکی، غالباً به شکل بحران های بانکی بسیار رایج شد. در دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ بیش از ۱۳۰ کشور مشکلات مالی بسیار سختی را تجربه کردند. از این تعداد در ۳۶ کشور مشکلات مالی منجر به بروز بحران های بانکی شدند. این کشور ها تماماً اقتصاد های در حال توسعه و در حال گذر نبودند، بلکه اقتصاد های صنعتی نیز در این بحران ها سهیم بوده اند.^۲ گسترش مشکلات بخش بانکی در چنین مقیاس وسیعی نگرانی گسترده ای در میان اقتصاددانان ایجاد کرد. بر همین اساس تحقیقات جدیدی جهت شناسایی بحران بانکی، علل و پیامدهای آن به وجود آمد. برخی مطالعات به صورت توصیفی و برخی دیگر با ابزار اقتصاد سنجی به موضوع بحران بانکی پرداختند.^۳

در این تحقیق به بررسی عوامل مؤثر بر بروز بحران بانکی سیستماتیک با استفاده از مدل چند متغییره لاجیت و پروبیت و بهره گیری از نرم افزار STATA پرداخته ایم. جهت تنظیم متغییر بحران بانکی سیستماتیک از داده های کپریو و کلینگبل (۱۹۹۶) و والنسیا (۲۰۰۸) استفاده شده است. نتایج تحقیق در ۴۴ کشور جهان طی دوره زمانی ۲۰۰۵-۱۹۷۰ حاکی از آن است که رشد پایین تولید، تورم، نرخ های بهره بالا، افزایش نسبت اعتبارات اعطایی به بخش خصوصی به تولید ناخالص داخلی حقیقی، همگی زمینه ساز بروز بحران بانکی سیستماتیک می باشند. از طرفی آزادسازی مالی و افزایش مازاد بودجه دولت به تولید ناخالص داخلی حقیقی با کاهش احتمال بحران بانکی سیستماتیک در ارتباط می باشد.

¹ see Bernanke(1983), Haubrich (1990), Calomiris and Mason (1997) and Gorton (1988)

² Lindgren, Garcia et al (1996)

³ Asli Demircug-kunt and Enrika Deteragiache (1998), Kaminsky and Carmen M. Reinhart(1996), others (1997), Ramos (1998), Schumacher (2000), Davis (1995), Gavin and Hausman (1995), Goldstein and Turner (1996), Mishkin (1996)

فهرست مطالب

صفحه

فصل اول: کلیات

۱	مقدمه	۱
۲	سؤالات تحقیق	۴
۲	فرضیه های تحقیق	۳
۲	اهداف تحقیق	۴
۲	روش گرد آوری اطلاعات و داده ها	۵

فصل دوم: مبانی نظری بحران های بانکی

۴	۱-۲- مقدمه	۴
۵	۲-۲- تعریف بحران بانکی	۵
۶	۳-۲- عوامل پیدایش بحران های بانکی	۶
۶	۲-۳-۱- انتخاب های ناسازگار و مخاطره اخلاقی	۶
۸	۲-۳-۲- عوامل نقدینگی	۸
۱۰	۳-۳-۲- سایر عوامل	۱۰
۱۰	۴-۲- شاخص های شناسایی بحران های بانکی	۱۰
۱۱	۲-۴-۱- روش وقایع	۱۱
۱۴	۲-۴-۲- روش شاخص فشار بازار پول	۱۴
۱۶	۵-۲- آثار بحران های بانکی	۱۶
۱۹	۶-۲- نمونه بحران های بانکی در دو کشور تایلند و ژاپن	۱۹
۱۹	۲-۶-۱- تایلند	۱۹
۲۰	۲-۶-۲- ژاپن	۲۰

فصل سوم: مطالعات تجربی شناسایی عوامل تعیین کننده بحران های بانکی

۲۲	۱-۳- مقدمه	۲۲
۲۳	۲-۳- بررسی مطالعات انجام شده در خصوص عوامل مؤثر بر بروز بحران بانکی در جهان	۲۳
۲۴	۳-۲-۱- آزاد سازی مالی	۲۴
۲۵	۳-۲-۲- طرح بیمه سپرده	۲۵

۲۶	۳-۲-۳-نظام نرخ ارز
۲۸	۳-۲-۴-تمرکز بانک و رقابت
۲۹	۳-۲-۵-عوامل سیاسی
۳۰	۳-۲-۶-ساختار مالی
۳۱	۳-۲-۷-مالکیت بانک
۳۲	۳-۲-۸-دیگر عوامل

۳-۳- بررسی مطالعات انجام شده در خصوص عوامل مؤثر بر بروز بحران بانکی در داخل

۳۳	کشور
----	------

فصل چهارم: مدل و نتایج برآورد

۳۵	۴-۱- مقدمه
۳۶	۴-۲- روش تحقیق
۳۶	۴-۲-۱- مدل لاجیت
۳۸	۴-۲-۲- مدل پروبیت
۳۹	۴-۳- متغیر وابسته بحران بانکی سیستماتیک
۳۹	۴-۴- متغیر های توضیحی
۴۲	۴-۵- نمونه مورد بررسی
۴۲	۴-۶- خلاصه آماری
۴۵	۴-۷- نتایج برآورد
۶۰	فصل پنجم: نتیجه گیری
۶۳	فصل ششم: ضمایم

فصل هفتم: منابع و مأخذ

۸۳..... ۱-۶- منابع داخلی

۸۳..... ۲-۶- منابع خارجی

فهرست جداول

جدول (۱-۲) نتایج مطالعات دیگران در خصوص حقایق آشکار شده ۱۸

جدول (۱-۴) عوامل تعیین کننده بحران بانکی (با در نظر گرفتن متغیر آزاد سازی مالی به طور مستقل) ۴۶

جدول (۲-۴) عوامل تعیین کننده بحران بانکی (با در نظر گرفتن متغیر آزاد سازی مالی به طور مستقل و نقش قوانین) ۴۸

جدول (۳-۴) عوامل تعیین کننده بحران بانکی (با در نظر گرفتن متغیر آزاد سازی مالی به طور مستقل و کیفیت قوانین) ... ۵۰

جدول (۴-۴) عوامل تعیین کننده بحران بانکی (اثر آزاد سازی مالی به تفکیک گروه های درآمدی) ۵۲

جدول (۵-۴) عوامل تعیین کننده بحران بانکی (اثر آزاد سازی مالی به تفکیک مناطق) ۵۴

جدول (۶-۴) عوامل تعیین کننده بحران بانکی (بررسی نقش قوانین بر چگونگی اثر گذاری آزاد سازی مالی بر بروز بحران) ۵۶

جدول (۷-۴) عوامل تعیین کننده بحران بانکی (بررسی کیفیت اجرای قوانین بر اثر آزاد سازی مالی بر بروز بحران) ۵۸

فصل اول

کلیات تحقیق

بحران مالی جزء لاینفک نظام سرمایه داری است که تا کنون در زمان های مختلف به اشکال گوناگون بروز کرده است. بحران بانکی یکی از انواع بحران های مالی است و به موقعیتی اطلاق می شود که بسیاری از بانکهای موجود در کشور با ورشکستگی مواجه شوند. به طور تاریخی بحران های بانکی هزینه های سنگینی را به اقتصاد تحمیل کرده اند که شامل هزینه های مالی حل بحران و از دست دادن بسیار زیاد تولید ملی می باشد. بحران بانکی هم چنین عملکرد سیستم تراز پرداخت ها را به مخاطره می اندازد و با از بین بردن اعتماد در مؤسسات مالی داخلی ممکن است سبب کاهش در پس انداز داخلی و خروج سرمایه در مقیاس بزرگ شود. از طرفی بحران سیستماتیک بانک های معتبرا مجبور به بستن درهایشان می کند. در این شرایط سرمایه گذاران وضعیت بازار اعتبارات را بدتر از آنچه که هست می بینند و با اقدامات عجولانه و در مواردی غیر منطقی سعی می کنند از ثروت اندکی که برایشان باقی مانده محافظت کنند. در چنین شرایطی هجوم بانکی رخ می دهد و نهاد های مالی سقوط می کنند و اوضاع و احوال اعتباری مالی و اقتصادی وخیم تر می شود. هزینه های اقتصادی و اجتماعی بحران های بانکی در برخی موارد بسیار زیاد و جبران آنها نیاز به زمان زیادی دارد. به عنوان مثال منابع مالی جهت برطرف کردن و گذر از بحران جهانی ۲۰۰۸-۲۰۰۷ که به اعتقاد برخی از اقتصاددانان^۱ شکل جدیدی از بحران های بانکی سنتی بود، بالغ بر ۱.۴ تریلیون دلار برآورد شده است.^۲

با توجه به اینکه بحران های مالی و به ویژه بحران بانکی یکی از نگرانی های اصلی سیاست گذاران پولی و مالی است، مطالعات زیادی در مورد شناسایی عوامل ایجاد کننده این بحران انجام شده است. شناخت این عوامل می تواند در برنامه ریزی های اقتصادی برای جلوگیری از بحران ها مفید باشد. هر چند در ایران با توجه به دولتی بودن بانک ها طی سه دهه اخیر بحران بانکی از نوع بحران های بانکی بین المللی وجود نداشته است، اما با توجه به خصوصی شدن بانک ها و گسترش حوزه فعالیت های مالی و بانکی در حال

¹ Vives (2008)

² Ruiz-Porrás (2008)

حاضر و آینده، امکان بروز بحران بانکی در کشور وجود خواهد داشت. بنابراین مطالعه تجربه جهانی می تواند راهنمای مناسبی برای سیاست گذاران مالی و پولی کشور برای جلوگیری از وقوع بحران بانکی باشد.

سؤالات مورد نظر در تحقیق به شرح زیر می باشد:

- آیا کاهش رشد GDP در احتمال بروز بحران بانکی مؤثر است؟
- اثر تورم بر احتمال بروز بحران بانکی چیست؟
- آیا تغییرات نقدینگی بر احتمال بروز بحران بانکی تأثیر دارد؟
- آیا آزاد سازی مالی احتمال بروز بحران بانکی را افزایش می دهد؟

فرضیه های تحقیق به قرار زیر می باشد:

- کاهش رشد اقتصادی احتمال بروز بحران بانکی را افزایش می دهد.
- نسبت نقدینگی به ذخایر ارزی بانک ها با احتمال بروز بحران بانکی رابطه مثبت دارد.
- تورم اثر مثبت بر احتمال بروز بحران بانکی دارد.
- آزادسازی بازارهای مالی و مقررات زدایی سیستم بانکی احتمال بروز بحران بانکی را افزایش می دهد.

در این تحقیق اهداف زیر را مدنظر قرار داده ایم:

۱- تعیین عوامل اثر گذار بر وقوع بحران های بانکی

۲- تعیین سیاست های اقتصادی مناسب برای جلوگیری از وقوع بحران

نوع روش تحقیق، علی و معلولی می باشد. در این مطالعه با توجه به این که داده ها بین کشوری است و کشور های مختلف را شامل می شود از مدل panel-data استفاده می شود و با توجه به اینکه متغیرهای وابسته، متغیر مجازی خواهد بود از مدل لاجیت و پروبیت استفاده می شود. در این مدل، اثر عوامل گوناگون اقتصادی و سیاسی مانند رشد اقتصادی، تورم، سیاستهای آزاد سازی مالی، طرح بیمه سپرده، نسبت اعتبارات اعطای به بخش خصوصی به تولید ناخالص داخلی، نسبت مازاد بودجه دولت به تولید ناخالص داخلی، نقش قوانین و نسبت ذخایر نقدینگی بانک ها به دارایی بانک ها بر احتمال وقوع بحران بانکی

در کشور های مختلف جهان طی دوره ۲۰۰۵-۱۹۷۰ بررسی می شود. نمونه مورد بررسی، شامل کشور هایی است که بحران بانکی را تجربه کرده یا نکرده اند که با توجه به میزان در دسترس بودن داده ها از منابع اطلاعاتی بین المللی انتخاب خواهند شد. آمار و اطلاعات مورد نیاز از بانک های اطلاعاتی گردآوری می شود. (بانک مرکزی، IELDB، IFS، WDI)

فصل دوم

مبانی نظری بحران های بانکی

در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ مشکلات بخش بانکی، غالباً به شکل بحران های بانکی بسیار رایج شد. در دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ بیش از ۱۳۰ کشور مشکلات مالی بسیار سختی را تجربه کردند. از این تعداد در ۳۶ کشور مشکلات مالی منجر به بروز بحران های بانکی شدند. این کشورها تماماً اقتصاد های در حال توسعه و در حال گذر نبودند، بلکه اقتصاد های صنعتی نیز در این بحران ها سهیم بوده اند.^۱

به طور تاریخی بحران های بانکی هزینه های سنگینی را به اقتصاد تحمیل کرده اند که شامل هزینه های مالی حل بحران و از دست دادن بسیار زیاد تولید ملی می باشد.^۲ هزینه های اقتصادی و اجتماعی بحران های بانکی در برخی موارد بسیار زیاد و جبران آنها نیاز به زمان زیادی دارد. به عنوان مثال منابع مالی جهت برطرف کردن و گذر از بحران جهانی ۲۰۰۸-۲۰۰۷ که به اعتقاد برخی از اقتصاددانان^۳ شکل جدیدی از بحران های بانکی سنتی بود بالغ بر ۱.۴ تریلیون دلار برآورد شده است.^۴

در این فصل ابتدا به تعریف بحران بانکی و علل پیدایش بحران بانکی و شاخص های شناسایی بحران بانکی پرداخته می شود. در ادامه با اشاره ای به آثار بحران های بانکی، نمونه ای از چند بحران های بانکی ارایه می شود.

¹ Lindgren, Garcia et al (1996)

² See Honohan and Klingebiel (2000)

³ Vives(2008)

⁴ Ruiz-Porrás, Antonio (2008)

۲-۱- تعریف بحران بانکی

بحران بانکی یکی از انواع بحران های مالی است و به موقعیتی اطلاق می شود که بسیاری از بانکهای موجود در کشور با ورشکستگی مواجه شوند. عملکرد بانک بدین گونه است که به صورت کوتاه مدت وام گرفته و به صورت بلند مدت وام پرداخت می کند و از این طریق خدمات اصلی و ضروری را به اقتصاد ارائه می دهد. بانک ها از طریق خلق اعتبار، اجازه رشد و توسعه به اقتصاد واقعی را می دهند. خلق اعتبار بدین صورت، به هر حال یک آسیب پذیری ذاتی برای سیستم بانکی بوجود می آورد. اگر سپرده گذاران در یک حرکت جمعی که ناشی از عدم اعتماد می باشد اقدام به خارج ساختن سپرده هایشان در یک زمان بنمایند، از آنجاییکه که درجه نقدینگی بدهی های بانک بیشتر از دارایی های بانک می باشد، بانک ها دچار مشکل نقدینگی می شوند. در شرایط عادی هنگامی که مردم به بانک ها اعتماد دارند، مشکلاتی از این قبیل به وجود نخواهد آمد. عدم اعتماد، می تواند ناشی از ورشکستگی یک یا چند بانک در نتیجه وام های معوق باشد. هجوم ناگهانی سپرده گذاران جهت خارج ساختن سپرده ها را هجوم بانکی^۱ می نامند. در این شرایط نهاد های مالی سقوط می کنند و اوضاع اعتباری مالی و اقتصادی وخیم تر می شود. این وضعیت بانک ها را با ورشکستگی مواجه می سازد و به مجموعه شرایط مذکور بحران بانکی اطلاق می شود. شرایطی که ورشکستگی از یک بانک به بانک دیگری سرایت کند اصطلاحاً بحران بانکی سیستماتیک^۲ نامیده می شود. در بحران بانکی سیستماتیک شرکت های مالی و بزرگ کشور با ورشکستگی گسترده ای مواجه می شوند و مؤسسات مالی و اتحادیه ها، مشکلات بزرگی در بازپرداخت تعهدات خود پیدا می کنند. در نتیجه وام های معوق به شدت افزایش پیدا خواهد کرد و تمام یا بیشتر سرمایه نظام بانکی از بین خواهد رفت. ورشکستگی جمعی منجر به آسیب رسانی به سرمایه نظام بانکی خواهد شد، بنابراین اثرات بزرگ اقتصادی بروز خواهد کرد که لازمه دخالت دولت را فراهم خواهد نمود.

¹Bank Run

²Systematic banking crisis

کپریو و کلینگبل (۱۹۹۹)^۱ بحران بانکی سیستماتیک را اینگونه تعریف می کنند : بحرانی که در آن تمام یا بیشتر سرمایه بانک ها از بین برود. هوناها و لاون (۲۰۰۵)^۲ نیز چنین تعریفی را ارائه می دهند. صندوق بین المللی پول (۱۹۹۸)^۳ نیز بحران بانکی را به عنوان وضعیتی تعریف می کند که در آن هجوم بانکی و ورشکستگی بانک ها گسترش یافته و بانک ها قادر به پرداخت دیون خود نباشند، یا وضعیتی که در آن مداخله دولت در سیستم بانکی در مقیاس وسیع صورت گیرد.^۴

۲-۲- عوامل پیدایش بحران های بانکی

به منظور اجتناب از هزینه های بالا و مخرب بحران بانکی، مهم است که به درک عوامل مؤثر بر بروز بحران بپردازیم. بحران بانکی سیستماتیک که نتیجه ورشکستگی بانکی است ممکن است توسط چندین عامل به وجود آمده باشد. ممکن است به سادگی نتیجه تصمیم گیری های ضعیف وام دهی، ریسک پذیری بیش از حد و تحقق ریسک اعتباری باشد. در هر صورت دو علت اصلی - انتخاب های ناسازگار^۵ و مخاطره اخلاقی^۶ و عوامل نقدینگی - به عنوان دو نگرانی اصلی در ادبیات بانکی منعکس شده است. برخی بر این باورند که منشأ بحران بانکی رفتار نامناسب و ضعیف توسط بانک ها و وام گیرندگان می باشد. برخی دیگر نیز تاکید می کنند که شوک های نقدینگی، عامل اصلی بحران های بانکی می باشد. البته، هر یک از بحران ها ویژگی های خاص خود را دارد، اما در بسیاری از موارد ترکیبی از عوامل مخاطره اخلاقی و عوامل نقدینگی بحران های بانکی را بوجود می آورد. بسیاری از افراد، با بروز بحران های بانکی، به خصوص بحران هایی که منشاء آن در تصمیم گیری های ضعیف بوده است، در انتظار روی دادن حوادثی هستند که اغلب به دنبال تحقق شوک نقدینگی ترسیم می شوند.

۲-۲-۱ انتخاب های ناسازگار و عوامل مخاطره اخلاقی

انتخاب های ناسازگار و مخاطره اخلاقی ناشی از اطلاعات نامتقارن می باشند. پل کروگمن^۷، مخاطره اخلاقی را به موقعیتی اطلاق می کند که یک فرد تصمیم می گیرد که چه مقدار ریسک را بپذیرد، در حالیکه زیان

¹ Caprio and Kinglebiel (1996)

² Honahan and Laeven (2005)

³ IMF(1998)

⁴ Hagen and Tai-kuang Ho(2003)

⁵ Advers selection

⁶ Moral hazard

⁷ Paul Krugman

ناشی از این تصمیم را فرد دیگری می پردازد. حمایت های مالی مؤسسات وام دهی از سوی دولت یا بانک مرکزی کمک به انتخاب های ناسازگار و مخاطره اخلاقی را افزایش می دهد.

بنا بر اعتقاد میشکین (۲۰۰۳) ۱، بحران مالی اختلال در بازار های مالی است که در آن انتخاب های ناسازگار و مخاطره اخلاقی وجود دارد. بنابراین بازار های مالی قادر به تخصیص وجوه مالی به کسانی که اغلب مولد فرصت های سرمایه گذاری هستند نمی باشد، در نتیجه کاهش شدید در فعالیت های اقتصادی به وقوع خواهد پیوست. زوال در ترازنامه (به وضعیتی اطلاق می شود که ارزش دارایی های بانک کمتر از ارزش بدهی های بانک شود)، افزایش در نرخ بهره واقعی، افزایش در نا اطمینانی، همه از جمله عواملی هستند که منجر به مخاطره اخلاقی و انتخاب های ناسازگار می شود. عواملی که منجر به زوال ترازنامه می شود، مانند زیان ناش از وام دهی که در نتیجه افزایش رونق وام دهی بدون سیستم های نظارتی و قانونی مناسب می باشد (مانند آنچه در مکزیک و آسیای شرقی رخ داد) یا زیان ناش از وام دهی در نتیجه رکود اقتصادی (به عنوان مثال آنچه در آرژانتین به وقوع پیوست) انگیزه های پیش روی بانک ها و وام گیرندگان را تغییر می دهد و به افزایش ریسک پذیری آنها کمک می کند. نرخ بهره واقعی اغلب یکی از مشکلاتی است که منجر به انتخاب های ناسازگار و مسائل مربوط به مخاطره اخلاقی می شود. همان طور که استیگلیتز و وایس (۱۹۸۱) ۲ استدلال می کنند، قرض گیرندگان تمایل دارند که پروژه های با ریسک بالا را در نرخ های بهره بالا بپذیرند، زیرا اگر پروژه موفقیت آمیز باشد، آنها دینفع اصلی باقی می مانند. از طرفی، نرخ های بهره بالا منجر به ناپایداری مالی می شود، هنگامیکه بانک ها به کاهش اعتبارات به منظور کاهش احتمال وام دهی به ریسک اعتباری بد (انتخاب ناسازگار) اقدام می نمایند. افزایش در نرخ های بهره همچنین می تواند بر ترازنامه بانک مؤثر باشد، زیرا بانک ها به طور معمول به جمع آوری سپرده های کوتاه مدت به منظور تأمین مالی پروژه های طولانی مدت می پردازند. هنگامیکه نرخ بهره در قراردادهای ثابت می باشد، افزایش در نرخ های بهره به سرعت در هزینه های (کوتاه مدت) سپرده ها منعکس می شود، در حالیکه انتقال هزینه ها به وام گیرندگان احتیاج به زمان طولانی دارد. از طرفی نرخ بهره از ارزش حال ثروت خالص بانک با تحت تأثیر قراردادن ارزش دارایی های بلند مدت بیش از بدهی های کوتاه مدت می کاهد. از طرفی نرخ های بالاتر جریان پول نقد به بنگاه ها و خانوارها را کاهش می دهد، در نتیجه منجر به زوال ترازنامه می شود. ۳

افزایش نااطمینانی می تواند منبع بحران های بانکی باشد، با توجه به اینکه آنها در فرایند وام دهی در تبعیض بین ریسک اعتباری بد و خوب دچار مشکل می شوند. رکود اقتصادی یا تورم شدید نا اطمینانی در مورد قیمت های نسبی را افزایش می دهد. مشکلات اطلاعاتی می تواند منجر به بروز بحران در زمان رکود

¹ Mishkin (2003)

² Stiglitz and Weiss (1981)

³ Bernanke and Gertler (1995)

شود، هنگامیکه سپرده گذاران نمی توانند بین بانک های انفرادی از لحاظ ریسک پذیری تمایز قائل شوند.^۱ عدم وجود اطلاعات خاص بانکی منجر به استفاده از اطلاعات جمعی در تصمیم گیری ها خواهد شد. به این ترتیب، هجوم بانکی می تواند به عنوان نتیجه رکود رخ دهد، زیرا ممکن است سپرده گذاران انتظار ورشکستگی تعداد زیادی از بانک ها را در دوره رشد پایین تولید داشته باشند. از طرفی می توان به نفوذ عوامل سیستماتیک - مانند افزایش خطر در کشور، انتظار افزایش کاهش ارزش ارز- بر رفتار سپرده گذاران در مورد بحران بانکی آرژانتین اشاره کرد.^۲

رونق اعتباری همراه با مقررات بانکی و نظارتی ضعیف، همچنین ممکن است منجر به مخاطره اخلاقی به ویژه پس از آزاد سازی مالی بشود. دمیر گاک-کونت و دترایچ (۱۹۹۸)^۳ یافتند که از ارزش حق رأی بانک (ارزش حق رأی بانک عبارتست از ارزش سرمایه ای سود های آینده بانک) هنگامیکه بازار های مالی آزاد هستند، تا حدی به دلیل افزایش رقابت کاسته می شود. بنابراین، استدلال نسبت دادن افزایش مخاطره اخلاقی به ارزش پایین حق رأی بانک ممکن است به توضیح اینکه چرا آزاد سازی مالی ممکن است منجر به رونق اعتباری و افزایش احتمال بحران بانکی بشود، کمک کند.^۴

در بسیاری از موارد، آزاد سازی مالی همراه با عدم کنترل بر جریان سرمایه بین المللی می باشد. این فرایند فرصت ها یی را برای بانک از طریق پذیرش ریسک های دیگر به وسیله جمع آوری وجوه به صورت ارز خارجی و وام دهی آن به وام گیرندگان داخلی فراهم می نماید. در این روش بانک ها ریسک ارزی را به ریسک اعتباری تبدیل می کنند. جای تعجب نیست که بحران های بانکی اغلب همراه با بحران های ارزی می باشد .

اگرچه بیمه سپرده ممکن است برای جلوگیری از هجوم بانکی سودمند باشد، ولی ممکن است منبع مخاطره اخلاقی باشد، زیرا توانایی بانک ها در جذب سپرده دیگر نشان دهنده خطر سبب دارایی بانک نمی باشد، بنابراین ممکن است بانک ها در اعطای وام مخاطره آمیز عمل کنند. دمیر گاک-کونت و دترایچ (۲۰۰۲)^۵ به این نتیجه دست یافتند که به طور متوسط، بیمه سپرده احتمال بحران بانکی را افزایش می دهد.

۲-۲-۲- عوامل نقدینگی

هجوم بر پول داخلی در انتظار تغییرات آینده در سیاست های پولی، مشکلات نقدینگی سختی را در سیستم بانکی ایجاد می کند. همان طور که کالو (۱۹۹۶)^۵ استدلال می کند، اندازه گیری نسبت حجم پول به ذخایر

¹ Gorton (1988)

² Levy Yeyati, Martínez Pería, and Schmukler (2004)

³ Asli Demirguc-kunt, Enrica Deteragiache (1998)

⁴ See: Caprio and Summers (1996), Hellman, Murdock, and Stiglitz (1994)

⁵ Calvo (1996)

خارجی می تواند شاخص خوبی از آسیب پذیری هجوم بر پول داخلی به خصوص برای نظام هایی با نرخ ارز ثابت باشد.

توقف ناگهانی در جریان سرمایه یکی از عواملی است که منجر به آسیب پذیری ثبات مالی می شود. وقفه در حساب سرمایه باعث نوسانات در نرخ ارز واقعی می شود. سیستم های بانکی در معرض ریسک اعتباری بزرگی قرار می گیرند، که بر اساس تغییرات بالقوه در قیمت های نسبی، عنوان می شود موردی که در آن بانک به ارز خارجی به بخش های غیر قابل تجارت وام می دهد، بنابراین می تواند دستخوش توقف ناگهانی باشد. موضوع دیگری که می تواند ثبات مالی را مورد تهدید قرار دهد، این است که اوراق قرضه دولتی در سبد دارایی بانک نگهداری می شود. اوراق قرضه دولتی در بازار های نو ظهور معمولاً به صورت ارز خارجی صادر می شود، در حالیکه سهم بزرگی از درآمد دولت از بخش های غیر قابل تجارت بدست می آید. بدین ترتیب، دولت ها در معرض آسیب پذیری ناشی از تغییر قیمت های نسبی در بخش خصوصی قرار می گیرند، و ممکن است بانک ها بعد از توقف ناگهانی سرمایه ورشکسته شوند. فشار بر سیستم بانکی جهت نگهداری اوراق قرضه دولتی تهدیدی بزرگی برای پایداری سیستم بانکی محسوب می شود. در پیش بینی ورشکستگی دولت، سپرده گذاران ممکن است به منظور حفاظت از دارایی هایشان سپرده هایشان را از بانک خارج کنند.^۱ ریسک کشور تعیین کننده رفتار سپرده گذاران در اغلب بحران های اخیر در کشور آرژانتین بوده است.^۲ تحت شوک های نقدینگی، بانک های مرکزی ممکن است از طریق مشوق های اضافی اجازه ندهد که بانک ها ورشکسته شوند، و با فراهم کردن نقدینگی، ممکن است مصرف ذخایر ارزی خارجی را تقویت کنند.

با این حال شواهدی دال بر اینکه اوراق قرضه دولتی بر بروز بحران های بانکی مؤثر می باشد، ضعیف است. کپریو و لوین وبارث (۲۰۰۴)^۳ و بک، دمیر گاک - کونت و لوین (۲۰۰۳)^۴ شواهدی قوی در خصوص اینکه مالکیت دولتی یکی از عوامل مؤثر بر بروز بحران می باشد، نیافتند.

بازار های نوظهور در برابر نرخ های بهره بین المللی آسیب پذیر می باشند. کالو، لیدرمن و رینهارت (۱۹۹۳)^۵ نشان دادند که نرخ های بهره خارجی و چرخه کسب و کار خارجی ۵۰ درصد پراکندگی متغیر های داخلی مانند نرخ ارز واقعی و انبوه ذخایر ملی در چندین مورد از اقتصاد آمریکای لاتین را توضیح می

¹ Calvo, Izquierdo, and Talvi (2003)

² Levy Yeyati, Martínez Pería, and Schmukler (2004)

³ Barth, Caprio, and Levine (2004)

⁴ Beck, Demirgüç-Kunt, and Levine (2003)

⁵ Calvo, Leiderman, and Reinhart (1993)

دهد. ایچنگرین و رز (۱۹۹۸)^۱ نشان دادند که نرخ های بهره در امریکا، اروپا، و ژاپن تمایل به افزایش شدید و معنی داری در سال های قبل از شروع بحران های بانکی داشته اند.

۲-۲-۳- سایر عوامل

تمرکز بانکی هر دو عامل مخاطره اخلاقی و انتخاب های ناسازگار را به همراه دارد. از یک طرف، سیستم های بانکی متمرکز ممکن است سود بالاتر را به همراه داشته باشند و منجر به شکنندگی کمتر بانک در صورت وجود صرفه جویی های ناشی از مقیاس شوند. سود های بالا، محافظ نقدینگی در برابر شوک ها و افزایش حق رأی بانک می باشد. از طرف دیگر، دسترسی به یارانه ها یا تأمین نقدینگی از طرف مقامات پولی برای بانک های بزرگ، می تواند منجر به پذیرش ریسک بالاتر از سوی بانک های بزرگ شود. این به نوبه خود می تواند منجر به بروز بحران بانکی شود. میشکین (۱۹۹۹)^۲، بک، دمیرگاک - کونت و لویین (۲۰۰۳)^۳ نشان دادند که تمرکز بانکی، احتمال بحران های بانکی را کاهش می دهد. شوک های تجاری منبع نگرانی جهت بروز بحران های بانکی می باشد، به خصوص برای کشور های در حال توسعه، که در بسیاری از حالات بر روی چند کالا متمرکز می باشند. تا حدی که بانک ها به اندازه کافی متنوع نیستند، آنها را بیشتر در معرض چنین شوک هایی قرار می دهد. کپریو و کلینگبیل (۱۹۹۶)^۴ یافتند که در بیش از ۷۵ درصد از کشور هایی که تجربه بحران بانکی داشته اند، شرایط تجاری بیش از ۱۰ درصد در سال های قبل از وقوع بحران کاسته شده است.

۲-۳- شاخص های شناسایی بحران بانکی

شناخت بحران های بانکی به درستی گام اول و حیاتی در شناسایی عوامل مؤثر بر بروز بحران های بانکی می باشد. طبقه بندی های مختلفی از بحران های بانکی از اواسط دهه ۱۹۹۰ در بسیاری از تحقیقات مورد استفاده قرار گرفته است.^۵ در زمینه شناسایی بحران های بانکی به روش وقایع و روش شاخص فشار بازار پول اشاره خواهیم کرد.

¹ Eichengreen and Rose (1998)

² Mishkin (1999)

³ Beck, Demirgüç-Kunt, and Levine (2003)

⁴ Caprio and Klingebiel (1996)

⁵ see: Jürgen von Hagen and Tai-kuang Ho (2007)